

حسن اسدی، بازیگر باسابقه سینما و تلویزیون در گفت‌وگویی درباره تازه‌ترین فعالیت‌های خود توضیح داد: در حال حاضر در حال ایفای نقش در دو سریال و یک تله‌فیلم هستم که برای این آخری در گرگان حضور داریم و مشغول کار هستیم. «خط قرمز»، «پول کیف» و «برای آخرین بار» هم جزو سه کار قدیمی من است که مطلع شدم این روزها در حال بازپخش از شبکه‌های تلویزیون است. این بازیگر درباره حضور بررنگ‌تر خود در تولیدات

رویکرد اصلی ام

کارهای تلویزیونی است

تلویزیونی به نسبت فیلم‌های سینمایی، گفت: من کار حرفه‌ای خودم را با تئاتر شروع کرده و بعد از آن به سرعت در سینما هم کار کردم. در فیلم «هویت» از ابراهیم حاتمی‌کیا بود که من و جلیل فرجاد ایفاگر دو نقش اصلی بودیم، بعدها هم همین مسیر را ادامه دادم. در حال حاضر هم کم‌وبیش در سینما فعالیت‌هایی دارم که فیلم‌هایی مانند «مستانه» و «مشکل گیتی» را در سال‌های اخیر داشته‌ام. در مجموع اما رویکرد اصلی ام کارهای

تلویزیونی است. وی درباره دلیل این رویکرد توضیح داد: سینما مؤلفه‌های خاص خودش را دارد و شاید بر مبنای همین مؤلفه‌ها بوده است که من با پیشنهادهای کمتری در سینما مواجه‌بوم. وقتی من از تلویزیون یا شبکه نمایش خانگی پیشنهادهای بیشتری دارم، طبیعی است که بیکار نمی‌نشینم و پیشنهادها و کارهای خوب را می‌پذیرم. مهم این است که کارها را نظر کمی و کیفی آثار خوبی باشد تا حضور در آنها را بپذیرم.



هادی حجازی فر در برنامه «حماسه خوان» شبکه یک مطرح کرد

ضرورت پرداختن به ناگفته‌های دفاع مقدس

این مسأله هم حل شود، وی با ذکر مثالی در این باره توضیح داد: مثالی در کار هم هست. یعنی همان قسمتی که به تلاطیه مربوط می‌شد که آن ایپزود به نام علی اصغر است، یک سکانسی هست که در آن پسر جوانی که در ماشین ایفا در حال رانندگی است، می‌گوید: تو که می‌ترسی غلط می‌کنی بیای جنگ، او هم پاسخ می‌دهد: شوخی کردم. البته جمله غلط می‌کنی آن قدر که در فارسی بد هست، در ترکی بد نیست. مایک سری اشاره‌هایی از این دست در سریال داریم.

فیلم برای آقا حمید، سریال برای لشکر

صمدی در بخش دیگری از این گفت‌وگو از مهمان پرسید که فیلم را با نیت لشکر عاشورا ساخته یا با نیت شهید مهدی باکری؟ حجازی فر نیز پاسخ داد: فیلم درباره آقا مهدی و آقا حمید است و سریال مربوط به لشکر ۳۱ عاشوراست. داستان این است که فلسفه این لشکر چون بنیان‌گذار و اولین فرمانده‌اش آقا مهدی بوده قابل تفکیک از همدیگر نیست اما هدف من پرداختن به این لشکر بود. ما خیلی محدودیت‌ها به لحاظ بودجه و توان تولید داریم. خیلی گله‌هایی که من شنیدم این بود که در هفت قسمت، آقا مهدی و این لشکر آن‌طور که باید در نمی‌آید. این واقعا درست است. موقعیت‌هایی که آقا مهدی در آن قرار می‌گیرد و مجبور است انتخاب کند، یک جایی به عنوان فرمانده لشکر همزمان در مقام یک فرمانده است و همزمان در مقام یک برادر بزرگ‌تر و یک همسر است. شما وصیت‌نامه‌های شهدا را بررسی کنید، می‌بینید اغلب می‌گویند خدایا ایمانم این قدر هست که بتوانم مسئولیت ۲۰۰ نفر را به عهده بگیرم؟ مثل الان نبود که یک میز را وسط می‌گذارند و مثل صندلی بازی ۲۰۰ نفر سر میز می‌ریزند. اصلا این‌گونه نبود. به سختی مسئولیت می‌پذیرفتند، چون فکر می‌کردند شایستگی اش را ندارند.

شهدا سرمایه‌های ملی کشور هستند

صمدی همچنین از او پرسید از کار راضی است و به نظرش کار درآمده است یا خودش از کار لذت برده است؟ حجازی فر نیز در پاسخ عنوان کرد: صادقانه بگویم بله. اما من ۵ درصد توانم به لحاظ فکری و آرتیستی و تمرکز روی بازیگری و کارگردانی صرف این کار شد و ۹۵ درصد صرف تولید شد. یعنی سوه‌لگه‌زدن با جاهای مختلف برای گرفتن امکانات و گرفتن پول و اعتمادسازی و این‌که ثابت کنم هدفم این است. به نظر من خیلی می‌توانست بهتر از این باشد. ما سکانس‌های زیادی داشتیم که به دلیل کمبود امکانات نتوانستیم بگیریم. البته من انتظار نداشتم در اولین کارم به من اعتماد محض شود؛ چه در محتوا و چه

مینی سریال «عاشورا» نخستین تجربه فیلمسازی هادی حجازی فر جمعه گذشته به پایان رسید اما خاطرات شهیدان باکری همچنان در ذهن و قلب ما ماندگار و ماناست. شهدایی که توانستیم با این مجموعه و فیلم سینمایی «موقعیت مهدی» بیشتر با آنها آشنا شویم و بدانیم که چه مردان شجاع و باگذشتی بودند. از این‌رو در برنامه «حماسه خوان» که جمعه شب روی آنتن شبکه یک رفت، هادی حجازی فر بازیگر و کارگردان این مجموعه مهمان برنامه شد و بخشی از خاطراتش را از این سریال مرور کرد.

سهم اقوام از رسانه ملی

محمد علی صمدی، میزبان حجازی فر بود که در ابتدای بحث گفت: آذری‌زبان‌ها همه بیننده سریال بودند و تماشااش آن لذت بردند اما برخی از غیر آذری‌زبان‌ها کمی از این موضوع گله‌مند بودند. هادی حجازی فر در توضیح این‌که چرا سریال به زبان آذری ساخته شده و زیرنویس فارسی دارد بیان کرد: واقعیت این است شاید خیلی از دوستان ندانند که تمام نیروهای آذری‌زبان اول در قالب تیپ عاشورا و بعد در لشکر ۳۱ عاشورا سازماندهی شدند. ما در آن بازه‌ای که به آن پرداختیم، یک یا دو نفر فارسی‌زبان در لشکر داشتیم. طبعاً بخش عمده‌ای از ادبیات بین نیروها و فرمانده‌ها ناشی از این مسأله می‌شد. از طرف دیگر ما تلاش کردیم یک سند تصویری داشته برای آیندگان و هر زمانی که بخواهند این زمان را مرور کنند، داشته باشیم.

وی ادامه داد: این زبان اگر در میان نبود، ما بخش عمده‌ای از روح کار را از دست می‌دادیم. همین الان که به‌صورت زیرنویس بخش می‌شود، می‌گویم برخی کلمات معادل فارسی ندارند. ولی یک سری تدابیر به کار گرفتیم. از جمله این‌که تلاش کردیم تعادل برقرار شود. وی همچنین افزود: من فکر می‌کنم در این میان یک سری نگرانی‌ها و شاید شیطنت‌ها اتفاق می‌افتد. داستان این است که لشکر عاشورا و رزمنده‌های ترک از کارگر گرفته تا کشاورز برای شان آذربایجانی یا خوزستان هیچ فرقی نمی‌کند. ما بیشتر از این‌که در این جغرافیا خون بدیهم، در خوزستان برای ایران خون دادیم. فکر می‌کنم این گله‌ها به زعم من نتیجه کم‌کاری صداوسیما یا ماست، پسنده کردن به شبکه‌های استانی که توان تولیدی آنچنانی ندارند و بیشتر برنامه‌های شان تامینی است، باعث شده این اتفاق نیفتد و سهمی در تلویزیون ملی نداشته باشند. باین حال من از دوستانی که ادیت شدند، عذرخواهی می‌کنم، البته صادقانه بگویم به خاطر این‌که یک سند تاریخی وجود داشته باشد و روحی که در کار مدنظرم بود، باشد سعی کردیم آن را به کمترین حد برسانیم. فکر می‌کنم با گذر زمان

«عاشورا»، اتفاق ویژه‌ای بود

حجازی فر همچنین بیان کرد: دوست دارم به دو موضوع اشاره کنم، یکی این‌که زمان پرداختن به بعضی چیزها در دفاع مقدس رسیده است. اصلا اینگونه نیست که ما یک جاهایی بیش از حد احتیاط می‌کنیم. نگفتن اینها باعث ایجاد سؤال می‌شود. چرا اجازه ندهیم که اینها گفته شود تا حجم عظیمی از سؤال‌ها از بین برود. کاری که ما در این پروژه انجام دادیم به‌واسطه حمایت‌های امیر بوالی، حسن روزی طلب و جواد رمضان‌نژاد بود که یای کار بودند. همین اعتمادسازی باعث شد به بخش‌هایی بپردازیم که تا به حال در هیچ اثر نمایشی به لحاظ طرح موضوع و پرداختن و رفتن در دل ماجرا پرداخته نشده بود. یعنی این اتفاق ویژه‌ای بود. به نظرم باید

به پژوهشگران و صاحبان آثار اعتماد بیشتری کرد. جایی گفتم ما تمام تلاش‌مان را کردیم، چون این آثار با پول بیت‌المال ساخته می‌شود، بنابراین نباید این پول‌ها هدر برود. از طرفی من و برخی دوستان از این پول‌ها می‌ترسیم. چون به بعضی‌های‌مان این پول‌ها نمی‌سازد؛ ما تا جایی که توانستیم صرفه جویی کردیم و گذاشتیم بیت‌المال حیف و میل شود. چچه‌های صحنه که در آن گرماکار می‌کردند، ناهارشان فلافل بود.

وی همچنین افزود: این هفت قسمت ذره‌ای از وجود کاراکتری این شهدا نیست اما امکان پرداخت بیشتری نبود. به نظرم فیلم کاملا زنانه‌ای است.

به‌رغم این‌که به آقا مهدی و آقا حمید می‌پردازد اما از نگاه خانم‌ها وارد قصه می‌شویم و با نگاه خانم‌ها



ما تا جایی‌که توانستیم صرفه جویی کردیم و نگذاشتیم بیت‌المال حیف و میل شود. چچه‌های صحنه که در آن گرما کار می‌کردند، ناهارشان فلافل بود

از قصه خارج می‌شویم. ما تلاش کردیم به این خانواده‌ها و بچه‌های‌شان بپردازیم. با این حال هیچ ادعایی پشت این کار نیست. می‌توانم بگویم بخش کوچک یا یک صفحه از این دیوان را ساختم. من معلم‌هایی که داشتم فیلم‌های آقایان حاتمی‌کیا، ملاقلی‌پورو... بود. امیدوارم شرایطی پیش بیاید که قصه‌های خوبی ساخته شود. امیدوارم برخوردها با پیشکسوتان دفاع مقدس، رزمنده‌ها و جانبازان تغییر کند.

صمدی، میزبان برنامه در مدت زمان فیلمبرداری از حجازی فر پرسید که او در پاسخ گفت: ما از شروع کرونا کار را شروع کردیم. ابتدا بخش پژوهش بود که با کمک آقای روزی طلب و بانک اطلاعاتی که استفاده نشده بود، دسترسی پیدا کردیم و این جلوی هزینه‌ها را می‌گرفت که نیازی نبود دوباره همه آنها تکرار شود.

دنبال فضاسازی بودیم

صمدی در ادامه به این نکته اشاره کرد که کسی باور نمی‌کند او بوده نداشته باشد، حجازی فر گفت: باور نمی‌کنند اما بگذار فحش هم می‌خواهند بدهند. باور کنید این کار ۹ بار به خاطر نبود پول خوابید. مهم این است که بالاخره پخش شد. ما کلی قصه درآوریم، مخاطبان معمولی آوردیم، بچه‌قصه‌ها را انتخاب کردیم و برخی دورریز شد و خیلی از قصه‌های دیگر ما از دورریزها درآمد، برخی هم بر اساس نمونه‌هایی که داده بودند، انتخاب شدند. مثل همان خرده روایت من خسرو

هستم، مهدی باکری نیستم. نمی‌توانستیم جلو ببینیم موفق می‌شویم یا نه. البته کار خودمان را سخت‌تر کردیم. باید قصه را با تصویر می‌نوشتیم و فضا ایجاد می‌کردیم. خیلی از این کار، فضاسازی است. بعد وارد مراحل انتخاب بازیگر شدیم. تلاش کردیم برخی چهره‌ها با این‌که یک سکانس حضور داشتند، نزدیک به چهره واقعی باشند تا لاقال خانواده‌ها یک تصویری از عزیزان‌شان ببیند. به قول عزیزکی که نقش یک شهید را بازی کرده بود، خانواده‌اش گفته بودند که ما شهیدمان را با چهره تو به خاطر می‌آوریم و حتی خواب هم که می‌بینیم، چهره تو است. این کارگردان همچنین به مسأله لپچه‌ها اشاره کرد و گفت: لپچه‌ها شاید همگون نباشد که عذرخواهی می‌کنم. تلاش کردم لباس تا حد ممکن نزدیک باشد. ما حتی ابعاد پل را درآوریم. گاهی وقتی کانال در فیلم‌های جنگی

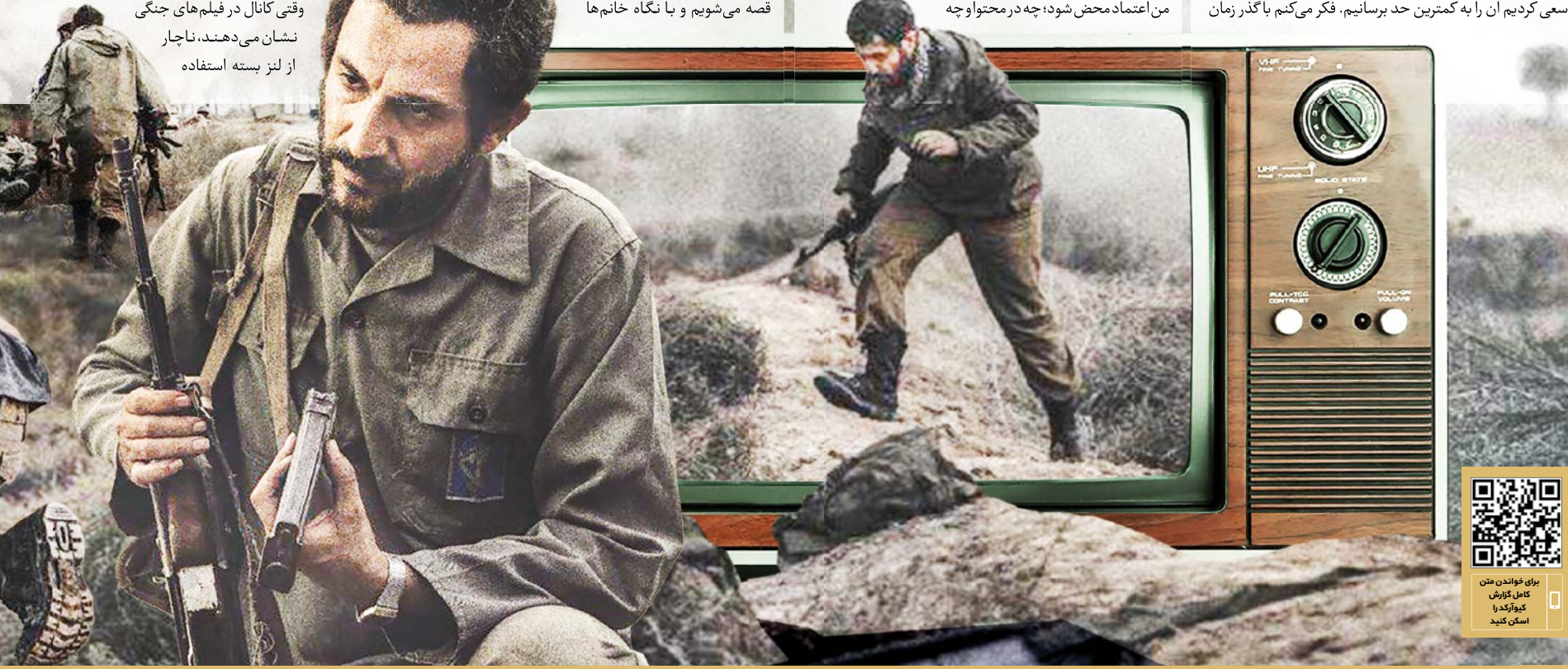
نشان می‌دهند، ناچار

از لنز بسته استفاده

صحنه‌ای که داغ آن روی دل ماند

صمدی میزبان برنامه در ادامه از حجازی فر پرسید که آیا چیزی در تولید این فیلم و سریال بوده که نتوانسته نشان دهد و داشش به دل او مانده باشد که حجازی فر گفت: بله خیلی چیزها روی دلم ماند. مثلاً بخشی در عملیات بدر بود، وقتی از اسکله حمید حرکت می‌کنند -که بخشی از مستنداتش را برای ثبت در تاریخ نشان دادیم- از دو محور غواص‌ها به آب می‌زنند و بعد با قایق‌های عاشورا به سمت ساحل حمله می‌کنند که تمام تیری است که به سمت آنها می‌رسد. این سکانس حسرت بزرگ من است. طراحی کردیم و جایش هم مشخص بود اما قایق‌هایی که لازم بود را نتوانستیم بگیریم. حتی برای این‌که پل‌های شناور را بگیرم، تحصن کردم. البته سریع رسیدگی کردند.

میزبان برنامه در ادامه به بازی حجازی فر در نقش حاج احمد متوسلیمان اشاره کرد و حجازی فر در ادامه گفت: من اگر بازیگر نبودم این کار به نتیجه نمی‌رسید، چون تریبون داشتم و انگار صدایم به بخش‌های مختلف می‌رسید. باید این را بگویم که صادقانه از ارتش جمهوری اسلامی ایران تشکر می‌کنم. خیلی جاها کمک کردند. امیدوارم ساختار محتوایی‌شان به جایی برسد که اجازه داده شود کاری درباره شهدای بزرگ ارتش ساخته شود. از سربازهایی تشکر می‌کنم که در کار به ما کمک کردند، سربازان وظیفه که در صحنه معروف کانال بودند. ما بودجه هنرور نداشتیم، سربازها به جای استراحت به کمک ما آمدند. به آنها گفتم این قصه را داریم می‌سازیم، در کانال خوابیدند و بارها این صحنه گرفته شد. ممنونم برای آتیهایی که برای اولین بار اجازه دادند بخشی از تلفات ما در جنگ دیده شود. از آقای جبلی - رئیس سازمان صداوسیما- و همه کسانی که در این راه کمک کردند، تشکر می‌کنم. اگر آقای جبیلی نبود این کار به انتها نمی‌رسید. از خانواده شهدا عذرخواهی می‌کنم که آن‌طور که باید به عزیزان‌شان پرداخته نشد یا ناقص پرداخته شد.



خاطرات کاغذی

ماجراهای ماهی کوچولو

مریم فلاح، شایون‌هی، ماهی کپور کوچک، از مادر بزرگش شنیده است که اجدادش در روزگاران خیلی دور موفق شده‌اند از روی دروازه اژدها بپرند. (منظور سدی است که روی رودخانه زرد در کشور چین بسته شده است) به گفته مادر بزرگ، در آن سوی دروازه اژدها، سرزمین رویاها وجود دارد. سرزمینی که در زیبایی همچون بهشت است و دیگر این‌که از نسل آنها فقط مهر ماهی که شجاع و پرتلاش باشد، می‌تواند به چنین موفقیتی برسد. ماهی کوچولو با شنیدن این موضوع مصمم می‌شود که با تشویق و همراهی دوستانش شجاعت و اراده خود را به چالش بکشد؛ بالاخره یک روز ماهی کوچولو به دنبال برآورده کردن آرزویش می‌رود و ... این انیمیشن زیبا، اقتباسی از مفاهیم اسطوره‌ای و باستانی چین است. طبق اسطوره‌های چینی، ماهی‌ها می‌توانند از آتشبار بلند پرش کنند؛ به «اژدها» تبدیل می‌شود و این مساله استعاره از این است که فقط زمانی‌که تلاش، شجاعت و اتحاد دست به دست هم دهند، انسان می‌تواند طعم موفقیت را چشبد.



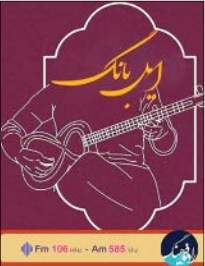
کیوارکد اسکن کنید

رادیو فرهنگ همراه

جشنواره موسیقی اقوام

رادیو فرهنگ با برنامه «ایل بانگ» نخستین جشنواره موسیقی سنتی اقوام ایرانی را همراهی می‌کند. این جشنواره که به همت سازمان صداوسیما از شنبه هشتم تا یازدهم مهر در استان کردستان برگزار می‌شود به‌طور ویژه سوزه برنامه ایل بانگ رادیو فرهنگ است که در ایام برگزاری

جشنواره از ساعت ۱۷ تا ۱۸ پخش می‌شود. در این برنامه صادق چراغی و رضا مهدوی به عنوان کارشناس-مجری درباره موسیقی ۱۰۸ قوم از اقوام ایرانی که در جشنواره حضور دارند صحبت می‌کنند و از هشتم تا یازدهم مهر ایل بانگ در بخش‌های مختلف پذیرای صدای مسئولان برگزاری و گروه‌های مختلف موسیقی شرکت‌کننده در جشنواره است. این جشنواره با محوریت سند توسعه رسانه ملی شکل گرفته است و هدف این جشنواره، فعالیت در بحث وحدت و آشنایی هنرمندان با ظرفیت‌های موسیقی دیگر اقوام، یادبود هنرمندان فقید، تجلیل از پیشکسوتان بزرگ موسیقی و پاسداشت داشته‌های فرهنگی اقوام ایران زمین است و در آن از هشت هنرمند شهید تجلیل می‌شود. گفتنی است برنامه ایل بانگ از گروه هنر و ادب به تهیه‌کنندگی پلدا احتشامی و اجرای کارشناسی صادق چراغی و رضا مهدوی پخش می‌شود.



رادیو و «وحدتی که هست»

رادیو ایران با آغاز «هفته وحدت» ویژه برنامه «وحدتی که هست» و تقدیم می‌کند. هفته وحدت به فاصله زمانی بین ۱۲ ربیع‌الاول که سالگرد ولادت پیامبر اکرم(ص) بنا بر روایات اهل سنت است تا ۱۷ ربیع‌الاول که تاریخ ولادت آن حضرت بنا بر روایات شیعه است، گفته می‌شود.

هفته وحدت یادآور ولادت رسول خوبی‌ها حضرت محمد(ص) آخرین فرستاده پروردگار است، پیام‌آوری که وحدت امت اسلامی را از راهبردهای بنیادین اقتدار امت اسلامی در تمام زمان‌ها و مکان‌ها دانسته و اقتدار و عزت جامعه نوپای اسلامی در عصر رسالت به‌خاطر وحدت و راهکارهای ارائه شده از طرف پیامبر خاتم(ص) بود. در همین راستا رادیو ایران با آغاز هفته وحدت ویژه برنامه وحدتی که هست را با نگاه وحدت‌آفرینی در همه مشترکات موجود در جهان اسلام و مسلمانان تقدیم می‌کند. این برنامه از آغاز هفته وحدت تا سه‌شنبه ۱۱ مهر همزمان با میلاد پیامبر مهر و دوستی ساعت ۲۰ و ۱۵ دقیقه از رادیو ایران پخش می‌شود. این هفته برای تبلور وحدت میان مسلمین جهان اهمیت بالایی دارد و می‌تواند پاسخی باشد برای تفرقه‌افکنان میان مسلمانان.

